نقش منابع هویت و معرفت در تشکیل سرمایهٔ اجتماعی در میان دانشجویان دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه اصفهان

محسن رنانی*، حسن دلیری**، رزیتا مؤیدفر***

طرح مسئله: در این مقاله، چگونگی فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی در نمونه‌ای از دانشجویان، مورد بررسی قرار گرفته است. مدل تجربی مورد استفاده در این مقاله براین پایه استوار شده است که افراد از دو منبع هویت و معرفت خود به عنوان منابع لازم و نه کافی برای تشکیل سرمایهٔ اجتماعی استفاده می‌کنند و این منابع زمانی به تشکیل سرمایهٔ اجتماعی منجر خواهند شد که به اعتماد، هنجار و شبکه تبدیل شود. بدین ترتیب در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سئوال خواهیم بود که افراد از کدام یک از منابع معرفت و یا هویت خود برای تشکیل سرمایهٔ اجتماعی استفاده می‌کنند.

روش: روش تحقیق در این مقاله به صورت پرسش‌نامه‌ای و پیمایشی است و نمونهٔ مورد مطالعه ۱۹۹ نفر از دانشجویان دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه اصفهان می‌باشد.

یافته‌ها: از آن جا که سرمایهٔ اجتماعی در ایران بیش‌تر مبتنی بر منابع هویت شکل گرفته است. علاوه بر تقویت ابزارهای علی مبتنی بر منابع هویت، باید توجه بیش‌تری بر تشکیل ابزارهای علی از طریق منابع معرفت در جامعه شود.

نتایج: در نمونه مورد نظر نتایج حاصله نمایانگر این واقعیت است که منابع هویت در تشکیل سرمایهٔ اجتماعی دارای اثر معنی‌دار و مثبت بوده‌اند، در حالی که این فرضیه در مورد منابع معرفت از قوت چندانی برخوردار نمی‌باشد. در این نمونه هم‌چنین مردان دارای سرمایهٔ اجتماعی بالاتری نسبت به زنان بوده‌اند.

کلیدواژه ها: اعتماد، سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ انسانی، مشارکت، منابع معرفت

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۲۵ ***تاریخ پذیرش:*** ۸۸/۲/۱۶

* دکتر اقتصاد، دانشگاه اصفهان <renani@ase.ui.ac.ir>

** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه همدان

*** دکتر اقتصاد، دانشگاه اصفهان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

مقدمه

بنیان‌های نوین اخلاق جامعه و مسئلهٔ نظم و صلح، همان قدر که دغدغهٔ سقراط بود، توسط شاگردان وی نیز پیگیری شد. افلاطون کتاب «جمهوری» را نوشت. که در آن دوگانگی اخلاق فرد و حکومت رد شده بود. وی معتقد بود که «حکومت شبیه افراد خود است» و به این نتیجه رسیده بود که مطالعه و تحقیق دربارهٔ مسئلهٔ اخلاق به عنوان جزئی از ساختمان اجتماعی بهتر و آسان‌تر از آن است که مانند یک صفت شخصی مورد مطالعه قرار گیرد. «اگر ما بتوانیم جامعهٔ درستی را توصیف کنیم، توصیف یک فرد درست، برای ما بهتر و آسان‌تر خواهد بود» (دورانت، ۱۳۸۰). در فلورانس قرن ١٦ نیز که بازتاب دهندهٔ تاریخ بی‌ثبات نهادهای جمهوری اعصار باستان و نیز ایتالیای عصر رنسانس بود (برمیراث افلاطون)، نیکولو ماکیاولی[1] و چند تن از معاصرینش به این نتیجه رسیدند که موفقیت یا شکست نهادهای آزاد به ویژگی «شهروندان» یا «فضیلت‌شان» بستگی دارد (دلیری، ۱۳۸۷).

بدین ترتیب و با توجه به مفاهیم ذکر شده، می‌توان دریافت که توجه به کنش‌های جمعی و ارتباطات مبتنی بر اعتماد ریشه در اعصار تاریخ داشته است. ولی این مفهوم با مقاله هانیفان (١٩١٦) با نام سرمایه اجتماعی[2]، تولد دوباره‌ای یافت و به سرعت جای خود را در علوم مختلف باز کرد. مفهوم سرمایهٔ اجتماعی، به طور کلی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد. روابطی که درتمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها، جریان داشته و رفتار و نگرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دلیری، ۱۳۸۷).

ما در این مقاله به بررسی منابع تشکیل دهندهٔ سرمایهٔ اجتماعی در بین دانشجویان دانشکدهٔ علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان خواهیم پرداخت. در بخش اولِ مقاله به معرفی متغیرهای اصلی مورد مطالعه پرداخته شده وسپس با معرفی مبنای نظری مورد استفاده و ارائهٔ مدل ریاضی به بیان روش تحقیق می‌پردازیم. در انتهای مقاله نیز نتایج حاصل از پژوهش ارائه خواهد شد.

1. machjavelli, N. 2. social capital

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

۱- مفاهیم و تعاریف

در این بخش، خیلی خلاصه مفاهیم مورد نظر از متغیرهای اصلی مدل ـ یعنی سرمایهٔ اجتماعی و سرمایهٔ انسانی ـ معرفی می‌شوند.

۱-۱- سرمایهٔ انسانی

همان‌طوری که سرمایهٔ فیزیکی از طریق تغییر ابزارهای فیزیکی موجب تسهیل تولید می‌شود، سرمایهٔ انسانی نیز با تغییرمهارت‌ها و قابلیت‌های اشخاص، آنان را قادر می‌سازد تا به شیوهٔ تازه‌ای عمل کنند (الوانی، ۱۳۸۵). مفهوم سرمایهٔ انسانی عبارت است از مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی که فرد کسب می‌کند، چنین بهبودی در کیفیت نیروی انسانی موجب بهره‌وری بیش‌تر در تولید می‌شود و در حقیقت بر کمیت و کیفیت تولید می‌افزاید و برای دارندهٔ این مهارت‌ها و قابلیت‌ها، افزایش درآمد ایجاد می‌نماید. در این بین آموزش، تجربه و سلامت، سه بعد از سرمایهٔ انسانی است و آموزش مهم‌ترین نوع سرمایه‌گذاری در سرمایهٔ انسانی محسوب می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۱). سرمایهٔ انسانی شامل استعدادها، مهارت‌ها، دانش و امکان به کارگیری این اجزا در کار است. از این رو شخص باید از لحاظ فیزیکی قادر به انجام کار بوده و فرصت کافی جهت به کارگیری سرمایهٔ انسانی خود را داشته باشد. هم‌چنین به سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت و مهارت افراد یک جامعه نیز، سرمایهٔ انسانی گفته می‌شود (Kyriacov, 1991).

۱-۲- سرمایهٔ اجتماعی

وجود پیوندهای[1] اجتماعی بر پایهٔ اعتماد متقابل و هنجارهای مشترک، منجر به ایجاد شبکه‌های اجتماعی می‌شود. با تشکیل شبکه‌های اجتماعی، همکاری بین اعضای شبکه آسان شده و حمایت متقابل اعضای شبکه از یکدیگر شکل می‌گیرد و یا به عبارت دیگر مبادلات اجتماعی صورت می‌پذیرد. حمایت اعضای از یکدیگر با اعتماد به این که در

1. ties

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

آینده پاسخ مناسبی مستحق این حمایت از طرف مقابل دریافت خواهند کرد، ذخیرهٔ اجتماعی[1] را برای هر عضو به وجود می‌آورد که انباشت آن در فرد، در شبکه‌ها[2] (میان افراد) و در جامعه (میان شبکه‌ها)، سرمایهٔ اجتماعی را تشکیل می‌دهد (رنانی و همکاران، ۸۵). پاتنام (Putnam) سرمایهٔ اجتماعی را به عنوان اعتماد، هنجارها و شبکه‌های پیوند معرفی می‌کند که همکاری کنش‌گران برای نیل به سود متقابل را تسهیل می‌کند. از دیدگاه کلمن (Coleman)، مفهوم سرمایهٔ اجتماعی نشان‌دهندهٔ آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. شاخص‌های پیشنهادی کلمن برای اندازه‌گیری سرمایهٔ اجتماعی عبارتند از ۱- تعهدات ایجاد شده ۲- دسترسی به اطلاعات ۳- استقرار در مکان هنجارهای اجتماعی ٤- کسب اقتدار ۵- کسب هویت سازمانی (کلمن، ۱۳۷۷). به دیگر سخن سرمایه اجتماعی عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضای قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. سرمایهٔ اجتماعی مجموعهٔ نهادها، قوانین، روش‌ها، عادات اجتماعی و سنت‌ها و قواعد رفتاری غیر رسمی جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می‌دهد (رنانی، ۱۳۸۱). به بیان کلی ادواردز (Edwards)، عقیده دارد که، سرمایهٔ اجتماعی به ارزش‌ها و هنجارهایی مربوط است که از پیوندها و روابط متقابل گروهی اجتماعی تفاهم شدهٔ مردم نشأت گرفته و به نوبهٔ خود پدیدآورندهٔ آن پیوندها و روابط نیز محسوب می‌شود (به نقل از پیران و همکاران، ۱۳۸۵)[3].

1. social reserve 2. network

۳ـ برای مطالعهٔ بیش‌تر مراجعه کنید به: دلیری، حسن (۱۳۸۷)، «اثر سرمایهٔ اجتماعی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران»، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، اصفهان. در پیوست (۱) این پایان نامه، بیش از ۵۰ تعریف از سرمایهٔ اجتماعی آمده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

چارچوب نظری پژوهش

دراین بخش از مقاله به بیان مبانی نظری تشکیل سرمایهٔ اجتماعی به‌وسیلهٔ دو منبع هویت و معرفت خواهیم پرداخت. به‌طوری که ابتدا فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی را توضیح داده و سپس مؤلفه‌هایی را که سبب شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی می‌شوند را معرفی می‌کنیم.

فرآیندتشکیل سرمایهٔ اجتماعی[1]

پیدایش یک هنجار از ارزش‌های درونی فرد آغاز می‌شود و از طریق رفتارهای یکپارچه تداوم می‌یابد. ارزش‌های درونی فرد یک پدیدهٔ ذهنی است که به واسطهٔ کنش فردی عینیت می‌یابد (مویدفر، ۱۳۸۵). اما پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که «اساساً ارزش‌های درونی، چگونه به ذهن افراد القاء می‌شود و یا توسط ذهن آن‌ها مورد ادراک قرار می‌گیرد؟». این بخش با تلاش برای پاسخ‌گویی به این پرسش، ماهیت منابع سرمایهٔ اجتماعی را روشن می‌سازد.

هر فرد به دو روش ارزش‌های درونی خود را شکل می‌دهد، الف- القائی، و ب- ادراکی. منظور از روش القائی این است که فرد بدون آن که در تشکیل ارزش درونی القاء شده، به لحاظ درک عقلی نقشی داشته باشد، آن‌را پذیرفته است و در عمل و از طریق کنش‌های خود به آن پای‌بند است، مانند نحوهٔ پوشش که اقوام مختلف به دلیل سنتی که به آن پای‌بند هستند، آن را پذیرفته‌اند و در عمل رعایت می‌نمایند. در مقابل روش ادراکی در تشکیل ارزش‌های درونی فرد به این مفهوم است که فرد با اختیار خود و از طریق درک عقلی به آن دست یافته است و در عمل مورد رعایت قرار می‌دهد، مانند اعتقاد به یگانگی

۱ـ چارچوب نظری ارائه شده در این جا برگرفته از: مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۵). «بررسی روند تحولات سرمایهٔ اجتماعی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران: ارائهٔ یک الگوی نظری»، پایان‌نامهٔ چاپ نشدهٔ مقطع دکترای اقتصاد، استاد راهنما: دکتر محسن رنانی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده اقتصاد و علوم اداری)) می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

خدا و یا کسب دانش. بنابراین می‌توان دو نوع منبع را بر تشکیل ارزش‌های درونی افراد مؤثر دانست: ۱- منابعی که موجب القای ارزش‌های درونی به فرد می‌گردند و او در تشکیل آن‌ها دخالتی ندارد که فالک و کیلپاتریک (Falk & Kilpatrick, 2000) از آن به عنوان منابع هویت یاد می‌کنند، و ۲- منابعی که موجب ادراک ارزش‌های درونی توسط فرد می‌شوند و او در تشکیل و اکتساب آن‌ها دخالت می‌کند که بر اساس نظریهٔ فالک و کیلپاتریک به عنوان منابع معرفت می‌شناسیم[1]. بنابراین از آن‌جا که ظهور و تداوم هنجارها ریشه در ارزش‌های درونی افراد دارد و از طرف دیگر هنجارها - به عنوان یکی از ارکان اصلی در تشکیل شبکه‌های اجتماعی ـ در تشکیل سرمایهٔ اجتماعی دارای نقش می‌باشند، دو منبع به وجود آورندهٔ ارزش‌های درونی افراد به صورت القائی یا ادراکی، منابع سرمایهٔ اجتماعی خواهند بود. این دو منبع عبارتند از: ۱- منبع هویت[2] مانند: قوم، نژاد، ایدئولوژی، مذهب و... که مجموعهٔ باورها ارزش‌ها و معیارهای فرد را به او القاء می‌نمایند، ۲- منبع معرفت[3] که اساس آن بر پایهٔ خرد بوده و از طرق گوناگون ـ مانند جریان دانش، شبکه‌های درونی و بیرونی جامعه، مهارتها و دستور العمل‌ها و پایگاه‌های ارتباط ـ کسب می‌شوند.

منابع سرمایهٔ اجتماعی

به روشنی می‌توان دریافت که وجود منابع هویت و منابع معرفت (منابع سرمایهٔ اجتماعی) در هر جامعه، پایه و اساس ارزش‌های درونی افراد جامعه است که از طریق کنش‌های فردی امکان ظهور هنجار را به وجود می‌آورد. ظهور و تداوم هنجارها پایه‌ای است در ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد بین فردی و تشکیل شبکه‌های اجتماعی ـ به عنوان

۱ـ این تقسیم بندی تا حدودی نیز بنیان نظریهٔ فوکویاما (Fukuyama) را در تفکیک جوامع به دودسته، روشن می‌کند: ۱ـ جوامعی که بر پایهٔ سنت، مذهب و ایدئولوژی بنیان نهاده شده‌اند، و ۲- جوامعی که مبتنی بر قرارداد اجتماعی رسمی و مشتمل بر افراد خردورزی است که گرد هم آمده‌اند و به عنوان نوع بشر از حقوق طبیعی خود حراست می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۷۹).

2. identity 3. knowledge

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

مبنای تشکیل سرمایهٔ اجتماعی ـ بنابراین هرچند منابع سرمایهٔ اجتماعی به صورت بالقوه قابلیت ایجاد سرمایه اجتماعی را در بردارد، اما برای بالفعل شدن آن نیازمند ظهور هنجارها، اعتماد و شبکه‌های اجتماعی است که از آن به عنوان مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی (ابزارهای علی) نام برده‌ایم. در واقع هنجارها، اعتماد و شبکه‌های اجتماعی، ابزارهایی هستند که قابلیت تشکیل سرمایهٔ اجتماعی از منابع آن را بالفعل می‌سازند. فالک و کیلپاتریک (Falk & Kilpatrick, 2000) معتقدند، وجود منابع هویت و معرفت از طریق تعامل با یکدیگر منجر به بروز رفتارهای همکاری به منظور تأمین منافع مشترک می‌گردد (تشکیل سرمایهٔ اجتماعی). در حالی که با توجه به بررسی فرآیند ظهور و تدوام هنجارها و تشکیل شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر هنجارهای مشترک و روابط مبتنی بر اعتماد، تعامل بین منابع هویت و معرفت از طریق ابزارهای علی (هنجار، اعتماد و شبکه) می‌تواند منجر به بروز رفتارهای همکاری گردد. بر این اساس ترسیم فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی از منابع آن در شکل (۱) گویای مطالب فوق است. همان طور که قبلاً نیز بیان شد، شکل (۱) نشان می‌دهد که وجود منابع هویت و معرفت (منابع سرمایهٔ اجتماعی)، لزوماً بدان معنا نیست که همکاری اعضای جامعه افزایش یابد، بلکه حلقهٔ اتصال منابع سرمایهٔ اجتماعی به فرآیند تشکیل آن، بخش دیگری از متغیرها را در بر می‌گیرد که از آن به عنوان ابزارهای علی یادکردیم (هنجار، اعتماد و شبکه).

بنابراین وجود منابع هویت و معرفت اعم از قوم، نژاد، مذهب، ایدئولوژی، قانون، فرهنگ، خرد، جریان دانش و... نشانهٔ وجود سرمایهٔ اجتماعی نیست. اما این منابع با ایجاد هنجارها، ویژگی‌های فردی و محیط جمعی را سازمان دهی کرده وموجب تغییر آن می‌گردند و آن را بالقوه مستعد پذیرش وتشکیل سرمایهٔ اجتماعی می‌سازند. با توجه به آن چه در ارتباط با منابع سرمایهٔ اجتماعی بیان شد به روشنی می‌توان دریافت که ذخیرهٔ منابع سرمایهٔ اجتماعی می‌توانند کرانه‌های بالایی برای تشکیل سرمایهٔ اجتماعی تعیین کنند، اما

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

ضرورتاً تعیین نمی‌کنند تا چه حد جامعه درتشکیل این سرمایه اجتماعی موفق است.[۱]

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

القای ارزش‌های درونی از طریق منابع هویت، به افراد و یا ادراک ارزش‌های درونی از طریق منابع معرفت، توسط افراد یک جامعه، نقطهٔ آغاز ظهور یک هنجار است که از طریق کنش‌های فردی عینیت می‌یابد و تداوم آن توسط کنش‌های یکپارچه تضمین می‌گردد. آن‌چه شکل دهندهٔ ذهنیت افراد به لحاظ ارزش‌های درونی است یعنی منابع هویت و معرفت، در واقع منابع سرمایهٔ اجتماعی هستند که هرچند وجود آن‌ها به طور بالقوه، قابلیت تشکیل سرمایهٔ اجتماعی را در یک جامعه به وجود می‌آورند، اما به فعلیت درآمدن این قابلیت، نیازمند ابزارهایی مانند هنجار، روابط مبتنی بر اعتماد و سرانجام، تشکیل شبکه‌های اجتماعی است[۲] تعامل دو منبع هویت و معرفت، موجب خلق هنجارها گردیده و آن‌ها (هنجارها) را بر دو گونه در یک جامعه نهادینه می‌سازد. این دو گونه عبارتند از: هنجارهای رسمی مانند قوانین مصوب و هنجارهای غیر رسمی مانند یک سنت فرهنگی که مطابق با هیچ قانونی به ثبت نرسیده و عدم رعایت آن جرم محسوب نمی‌شود، اما اکثریت افراد جامعه به آن پای‌بند می‌باشند. هنجارهای رسمی مانند قانون اساسی، چارچوب‌های حقوقی، حقوق مالکیت، قوانین ویژهٔ سازمان‌ها، قراردادهای اتحادیه‌های کارگری و به طور کلی مجموعه قوانین و مقرراتی هستند که به طور رسمی به ثبت رسیده‌اند و عدم رعایت آن‌ها موجب تضییع حقوق افراد ذی‌حق می‌گردد و به موجب آن امکان مطالبهٔ حقوق جبرانی را از جانب افرادی که در اثر عدم رعایت قانون متحمل زیان

۱ـ این عبارت در تشابه با جمله نورث (North) بازنویسی گردیده است. نورث معتقد است: «ذخیرهٔ دانش و فن‌آوری، کرانه‌های بالایی‌برای رفاه انسان تعیین‌می‌کنند، اما ضرورتاً تعیین نمی‌کنند تا چه حد انسان‌ها درون این کرانه‌ها موفق هستند» (نورث، ۱۳۷۹).

۲ـ به عبارت دیگر ابزارهای علی از یک سو ریشه در منابع سرمایهٔ اجتماعی دارند و از سوی دیگر علت تشکیل سرمایهٔ اجتماعی می باشند و بخش دوم از دو بخش مؤثر در فرآیند ساخت سرمایهٔ اجتماعی به شمار می‌روند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

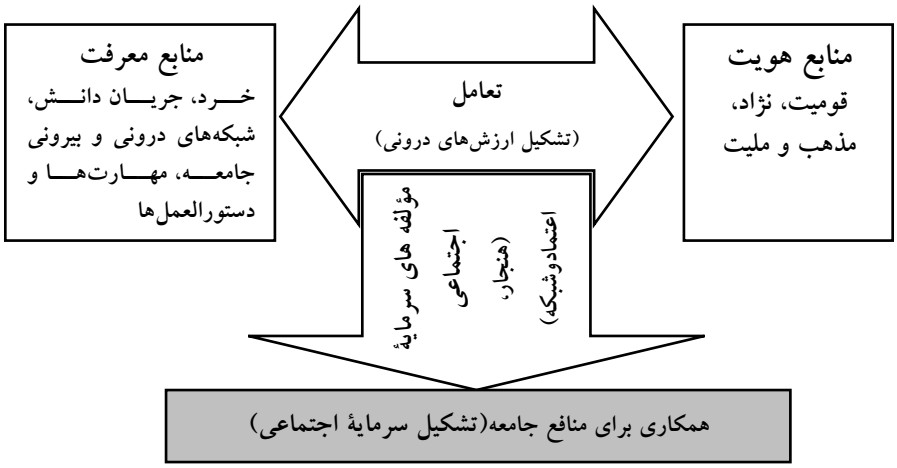
گردیده‌اند، به وجود می‌آورد. هم‌چنین هنجارهای غیر رسمی مانند سنن، آداب و رسوم و عرف‌های مرسوم در یک جامعه که هرچند به طور رسمی مورد ثبت قرار نگرفته‌اند، اما اکثریت افراد یک جامعه به آن پایبند می‌باشند. مجموعهٔ هنجارها (رسمی و غیر رسمی) به عنوان راهنمای کنش متقابل انسان‌ها و سازماندهی کنندهٔ انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری، همگی قیودی را بر رفتار در بر دارند که موجب قابلیت پیش بینی رفتار افراد در روابط اجتماعی می‌گردد و لذا عدم اطمینان را کاهش می‌دهند و در جریان مبادلات، پایه واساس اعتماد می‌گردند. بنابراین آن چه درگام اول موجب برقراری روابط اجتماعی می‌گردد، اعتمادی است که در اثر وجود هنجارها بین طرفین رابطه وجود دارد. در گام دوم پایبندی طرفین مبادله به هنجارها موجب تکرار مبادلات گردیده؛ روابط مبتنی بر اعتماد را تقویت می‌نماید و موجب تقویت همکاری در روابط اجتماعی می‌گردد.[1] بنابراین وجود منابع سرمایهٔ اجتماعی (هویت و معرفت) برای خلق سرمایهٔ اجتماعی نیازمند ابزارهای علی (مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی) هم‌چون هنجارها و قابلیت اعتماد هستند تا از طریق تشکیل شبکه‌های اجتماعی، سهولت همکاری و مبادلات اجتماعی را به وجودآورند و موجب انباشت ذخیرهٔ اجتماعی در فرد، شبکه‌ها و جامعه گردند.

همان‌طورکه در بخش (۲-۱-۱) نیز بیان شد، فالک و کیلپاتریک در مطالعهٔ خود نشان دادند که همکاری برای منافع جامعه در اثر تعامل دو منبع هویت و معرفت به وجود می‌آید (Falk & Kilpatrick, 2000)، در حالی که بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که تبدیل تعامل دو منبع هویت و معرفت به همکاری برای منافع جامعه، از طریق ابزارهایی مانند هنجارها، اعتماد و شبکه‌های اجتماعی امکان‌پذیر است. بر این اساس می‌توان شکل

۱ـ به عنوان مثال، در جامعه‌ای که هنجار خیرخواهی و نیکوکاری، عملاً یک هنجار پذیرفته شده است و از منابعی مانند مذهب، ایدئولوژی، فرهنگ و یا خرد جمعی سرچشمه گرفته است، درشرایطی که اهداف فرد و جمع کاملاً در یک ردیف قرار نگرفته باشد، می‌تواند موجب تقویت همکاری گردد. هم‌چنین هنجار صداقت می تواند با افزایش قابلیت اعتماد افراد ـ به عنوان متوسط درجه‌ای که دیگران می‌توانند به اجرای عملی تعهدات گفتاری یا نوشتاری فرد اعتماد کنند ـ موجب سهولت همکاری در بین افرادگردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

(۱) را ترسیم کرد. ایـن تـصویر، فرآینـد تبـدیل منـابع هویـت و معرفـت (منـابع سـرمایهٔ اجتماعی) به همکاری برای منافع جامع (تشکیل سرمایهٔ اجتماعی) از طریق ابزارهای علـی ـ مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی ـ (هنجار، اعتماد و شبکه) را نشان می‌دهد.



شکل(۱) فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی ـ منبع (مؤید فر، ۱۳۸۵)

پیشینهٔ مطالعات انجام شده

انسان‌های عقلانی همواره برای دست‌یابی به هدفی معین در تلاش و تکـاپو هـستند و در بسیاری موارد ممکن است اهداف مشترکی را دنبال کنند. آن‌ها ممکن است در تقابل بـا یکدیگر قرار گیرند و رفتارهای آن بر یکدیگر اثرگذارد. یکی از کارهایی که معمولاً انجـام می‌دهند، سرمایه‌گذاری در سرمایهٔ انسانی است. ولی این سرمایه زمانی در روابـط جمعـی نمودار شده و بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد که بـین مالکـان آن روابـط اجتمـاعی منطقـی (سرمایهٔ اجتماعی) شکل گیرد. در این قسمت بـه مـرور اجمـالی برخـی از برجـسته‌تـرین تحقیقات انجام شده در مورد روابط متقابل بین سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ انسانی و هم‌چنین سرمایهٔ اجتماعی با مذهب خواهیم پرداخت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

سرمایهٔ اجتماعی و سرمایهٔ انسانی

جیمز کلمن (Coleman, 1994) در مطالعه‌ای به بررسی نقش سرمایهٔ اجتماعی در تشکیل سرمایهٔ انسانی می‌پردازد. وی می‌گوید که سرمایهٔ اجتماعی منبعی برای یک خانواده، جامعه یا سازمان است که موجب می‌شود تا در افراد جوان و بچه‌ها سرمایه‌گذاری صورت گیرد. وی اشاره می‌کند که وجود تحصیلات یا سرمایهٔ انسانی بالا در والدین شرط لازم و کافی برای شکل‌گیری سرمایهٔ انسانی در فرزندان نیست، بلکه باید سرمایهٔ اجتماعی نیز، در خانواده وجود داشته باشد. وی نشان داد، خانواده‌هایی که اغلب نقل مکان می‌کنند به دلیل ارتباط کمی که با محیط اطراف خود از قبیل افراد محله و... دارند، طول دورهٔ تحصیل فرزندان آن‌ها کم‌تر است، زیرا ماندگاری یک خانواده در یک محله باعث می‌شود تا روابط آن با افراد منسجم‌تر شود و سرمایهٔ اجتماعی بین آن‌ها شکل گیرد.

گروتارت و سوآمی (Grootaert & Swamy, 2002) شواهدی از کشور بورکینافاسو ارائه می‌دهند که طبق آن هر چه شرکت داوطلبانهٔ والدین در انجمن اولیا و مربیان بیش‌تر باشد (شاخص سرمایهٔ اجتماعی)، نرخ ادامهٔ تحصیل (شاخص سرمایهٔ انسانی) نیز بالاتر است. استون و همکاران اشاره می‌کنند که سرمایهٔ اجتماعی، بیان‌گر رابطهٔ فرد با محیط اطراف اوست و وقتی در خانواده بالا باشد، موجب می‌شود که توجه بیش‌تری به ادامهٔ تحصیل فرزندان و سرمایه‌گذاری در آن شود .(Aston et al, 1999). تیچمان و همکاران براساس مطالعهٔ خود دریافتند که سرمایهٔ اجتماعی زمینهٔ موفقیت بیش‌تر فرزندان را در بهره‌برداری از سرمایهٔ انسانی و مالی والدین فراهم می‌سازد (Teachman et al, 1997). بارنسکوف (Bjornskov, 2004)، نیز به این نتیجه رسید که سرمایهٔ اجتماعی می‌تواند باعث رشد سرمایهٔ انسانی شود. وی در مطالعهٔ اثر سرمایهٔ اجتماعی ـ که توسط اعتماد اجتماعی اندازه‌گیری گردید ـ بر رشد سرمایهٔ انسانی بین ۵۲ کشور در دوره ۱۹۶۰–۲۰۰۰ به این نتیجه رسید که سرمایهٔ اجتماعی باعث افزایش آهنگ رشد سرمایهٔ انسانی شده و هم‌چنین این مطالعه نشان داد که کشورهایی که سرمایهٔ اجتماعی بالاتری دارند به مراتب هزینه‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

کم‌تری برای رشد سرمایهٔ انسانی ـ نسبت به کشورهای با سرمایهٔ اجتماعی پایین‌تر ـ صرف می‌کنند. سوی میاناندا (Soumynananda, 2007) به بررسی تشکیل سرمایهٔ اجتماعی از طریق سرمایهٔ انسانی و تأثیر آن روی رشد اقتصادی می‌پردازد. وی با مطالعهٔ مقطعی روی ٦٣ کشور دنیا به این نتیجه می‌رسد که بین شاخص اعتماد (سرمایهٔ اجتماعی) و سال‌های تحصیل (سرمایهٔ انسانی)، هم چنین شاخص اعتماد و سطح درآمد سرانه (رشد اقتصادی)، در نمونهٔ مورد مطالعه ارتباط مثبت و معنا داری وجود دارد.[1]

در یکی از مطالعات صورت گرفته در ایران، سوری و مهرگان (۱۳۸۵) با مطالعهٔ رابطهٔ بین سرمایهٔ انسانی و سرمایهٔ اجتماعی به این نتیجه رسیدند که تمایل مردان به ادامهٔ تحصیل و به نوعی سرمایه‌گذاری در سرمایهٔ انسانی در سال‌های اخیر در ایران کاهش یافته است. از میان عوامل مختلفی که موجب چنین تغییراتی شده است، نقش سرمایهٔ اجتماعی مورد توجه بوده است. فقدان سرمایهٔ اجتماعی به دو طریق منجر به کاهش سرمایهٔ انسانی می‌شود: یکی از طریق کاهش تمایل والدین در کمک مالی و علمی به فرزندان و ادامهٔ تحصیل آن‌ها و دیگری از طریق تخریب فضای کسب وکار اقتصادی. زیرا هرچه فضای کسب و کار اقتصادی ناسالم باشد، کسب درآمدهای بالاتر نیاز به تحصیلات بالاتر ندارد و لذا انگیزهٔ سرمایه‌گذاری در سرمایهٔ انسانی کاهش می‌یابد.

سرمایهٔ اجتماعی و مذهب

عقاید مذهبی ـ به‌عنوان یکی از منابع تشکیل دهندهٔ سرمایهٔ اجتماعی ـ شاخصی است که کلمن وهافر در مطالعهٔ خود در مورد ارتباط سرمایهٔ اجتماعی و سرمایهٔ انسانی از آن

۱ـ برای مطالعهٔ بیش‌تر در رابطه با اثرمثبت سرمایهٔ اجتماعی و سرمایهٔ انسانی، نگاه کنید به مقالهٔ اشکال سرمایه، از بوردیو (Bourdieu,1986) و فالک و کیلپاتریک (۲۰۰۲) و هم‌چنین

Tymon G. Walter and Stephen A. Atumpf. (2003),"Social Capital in the Success of Knowledge Workers", *Career Development International*, PP. 12-20.

Huang Fail. (2003),"Social Trust, Cooperation, and Human Capital", *Department of Economics, Singapore Management University.*

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

استفاده کرده‌اند و تحصیل دانش‌آموزان در مدارس مذهبی را به عنوان شاخصی برای افزایش میزان سرمایهٔ اجتماعی در نظر گرفتند. آن‌ها اعتقاد داشتند که جوامع مبتنی بر سازمان‌دهی دینی دبیرستان‌های متکی بر دین پایه‌ریزی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از این شاخص، میزان اثر تحصیل در مدارس دینی را نسبت به مدارس خصوصی بر میزان ترک تحصیل دانش آموزان، مورد آزمون قرار دادند و به این نتیجه رسیدند، دانش آموزانی که در مدارس دینی تحصیل می‌کنند، تمایل کم‌تری به کاهش سرمایهٔ انسانی (ترک تحصیل) از خود نشان می‌دهند (Coleman & Hoffer, 1987). هم‌چنین کلمن اعتقاد داشت که سازمان‌های مذهبی، علاوه‌بر خانواده از اندک سازمان‌های باقی‌مانده در جامعه هستند که نسل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهند. بنابراین جزو اندک سازمان‌هایی هستند که در آن‌ها سرمایهٔ اجتماعی افراد بالغ جامعه، برای کودکان و نوجوانان هم قابل استفاده است. (Coleman, 1990) براساس نظریهٔ ویمبرلی (Wimberley) هر چه نقش مذهبی بودن شخص در سلسله مراتب منابع هویتی او از اهمیت بیش‌تری برخوردار باشد، یعنی بخش مهمی از هویت یک شخص را معین می‌کند، این نقش نفوذ بیش‌تری بر سایر نقش‌های وی خواهد داشت. برای آن‌هایی که مذهب بخش عمده‌ای از هویت‌شان را تشکیل می‌دهد، عناصر مذهبی می‌توانند به عنوان یک نظام معنی دار در زندگی روزانهٔ آن‌ها نقش بازی کنند و پیام‌هایی که از سوی آن عناصر صادر می‌گردند، به عنوان راهنمایی در جهت روابط اجتماعی افراد قلمدادگردد، به عنوان مثال مورگان (Morgan) دریافت که میزان بالای اهمیت شخصی مذهب، کنش متقابل دوستانهٔ توأم با حس تعاون و همکاری را در افراد ایجاد می‌کند و کیفیت روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (به نقل ازکتابی و همکاران، ۱۳۸۳).

در یکی از مطالعات شکل گرفته در ایران نیز، کتابی و همکاران(۱۳۸۳) با مطالعهٔ پیمایشی روی دانشجویان دریافتند که هرچه افراد یک جامعه مذهبی‌تر باشند، به همان نسبت، سرمایهٔ اجتماعی آنان نیز افزایش خواهد یافت و هرچه میزان سرمایهٔ اجتماعی بیش‌تر باشد، توسعهٔ فرهنگی و اجتماعی نیز به تبع آن بیش‌تر شکل خواهد گرفت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

روش تحقیق

در این تحقیق به اندازه‌گیری برخی شاخص‌های سازندهٔ سرمایهٔ اجتماعی فرد پاسخ‌گو و میزان سرمایهٔ انسانی انباشته شده در بستر خانواده و نیز پایبندی فرد به مذهب پرداخته شده است. برای این کار با استفاده از پرسشنامه حاوی ۳۵ سئوال، ویژگی‌های نمونهٔ مورد مطالعه استخراج شده است. جامعهٔ مورد مطالعه، دانشجویان دانشکدهٔ اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان بوده است. این جامعه شامل ۱۵۲۵ نفر دانشجو می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، بین رشته‌های اقتصاد، مدیریت و حسابداری به صورت درصدی از کل حجم جامعه مورد نظر انتخاب شده است به این ترتیب، نمونهٔ مورد نیاز در سطح خطای ۰/۰۵ و معنی‌داری ۰/۹۵ درصد به تعداد ۱۹۹ نفر برآورد شد. پایایی پرسش‌نامهٔ مورد نظر نیز توسط آزمون آلفای کرنباخ و به میزان ۰/۷۶ برآورد شده است. با توجه به این که مقدار آماره کرنباخ بالای ۰/۷ است، نتایج برگرفته از پرسش‌نامه، قابل اعتماد می‌باشد. پراکندگی جنسیتی نیز در افراد نمونه به گونه‌ای بود که با جامعهٔ مورد مطالعه، هماهنگی داشت. به طوری که در نمونهٔ مورد نظر ۶۱٪ افراد را زنان و ۳۹٪ را مردان تشکیل می‌دادند.

منابع معرفت (شاخص‌های سرمایهٔ انسانی)

آزمون روابط متقابل بین سرمایهٔ انسانی و سرمایهٔ اجتماعی مستلزم تعیین شاخص‌های جایگزین برای اندازه‌گیری میزان سرمایهٔ انسانی افراد بود. در این مطالعه سرمایهٔ انسانی انباشته در خانوادهٔ فرد پاسخ‌گو، ملاک تحقیق بوده است به طوری که شاخص‌های سرمایهٔ انسانی مورد استفاده، از میزان تحصیلات والدین، بعد خانواده، میزان درآمد خانواده (مخارج آموزشی) و تحصیلات سایر افراد خانواده تشکیل می‌شوند (در قسمت ۱-۱ بیان شده است). بعد خانواده با میزان سرمایهٔ انسانی رابطهٔ منفی و میزان تحصیلات والدین، سایر افراد خانواده و میزان درآمد خانوار با سرمایهٔ انسانی رابطهٔ مثبت دارند. به طوری که خانواده‌هایی که دارای تحصیلات بالاتر، درآمد بالاتر و بُعد خانوار پایین‌تری بودند، میزان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

انباشت سرمایهٔ انسانی در آن خانواده بالاتر خواهد بود. اطلاعات مربوط به شاخص‌های سرمایهٔ انسانی توسط سئوالات باز در پرسش‌نامه به دست آمد. برای اندازه‌گیری سرمایهٔ انسانی در بستر خانواده، تحصیلات هر یک از افراد خانواده، یکی از شاخص‌های اصلی برای اندازه‌گیری میزان سرمایهٔ انسانی در بستر خانواده می‌باشد. در این مطالعه برای به دست آوردن میزان سرانهٔ سرمایهٔ انسانی در سطح خانواده، بُعد خانوار را به میزان سرمایهٔ انسانی کل خانواده تقسیم کردیم که بدین ترتیب بُعد خانوار رابطهٔ منفی با سطح سرمایهٔ انسانی پیدا خواهد کرد. مخارج آموزشی خانوار هم یکی از شاخص‌های مهم برای اندازه‌گیری سرمایهٔ اجتماعی در سطح خانواده است[1]. در این مقاله نیز مخارج آموزشی به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری سرمایهٔ انسانی در خانواده مورد استفاده قرار گرفت.

منابع هویت (شاخص پایبندی به مذهب)

بر پایهٔ مدل ذکر شدهٔ دین، ملیت، قومیت تشکیل دهندهٔ منابع معرفت در افراد هستند و از این بین دین به عنوان مهم‌ترین منبع هویت در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل در این پژوهش از دین به عنوان شاخص منبع هویت استفاده خواهد شد. استفادهٔ دین به عنوان شاخص اندازه‌گیری منبع هویت، مستلزم تعریف مفهوم آن خواهد بود، بدین ترتیب در این قسمت به تعریف اجمالی از دین ـ به عنوان شاخص منبع هویت ـ خواهیم پرداخت. دین در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت (علیزاده، ۱۳۷۷) مذهب، ورع، پاداش (عمید، ۱۳٦۹) انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست (جوادی آملی، ۱۳۷۳) و در اصطلاح عبارت است از: احساس اعتقاد به قوای اخلاقی در زمینهٔ

۱ـ اولین بار گریلیچز (Grillchz,1964)، مخارج آموزشی را به صورت یک داده در تابع تولید وارد کرد پس از او نیز اقتصاددانان زیادی برای اندازه‌گیری سرمایهٔ انسانی از سطح مخارج آموزشی استفاده کردند. برای مثال می‌توان اشاره کرد به : کندریک (Kendric)، والترز (Walterz) و رابینسون (Rabinson) در سال ۱۹۸۳. هم‌چنان نیز از این شاخص به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایهٔ انسانی استفاده می‌شود.نگاه کنید به:

Beyengju, J (1998). "Measurement of Human Capital Input in a Cross Countries; a New Method and Result", Retrived Nov. 11.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقـرب خـالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (حکمت، ۱۳۳۹).

شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی

اکثر صاحب‌نظران معتقدند که سنجش کاملاً تجربی سرمایهٔ اجتماعی تقریباً غیر ممکن است. چون سرمایهٔ اجتماعی، مسئله‌ای انسانی است، و بنا به اصل عدم اطمینان هایزنبرگ[1] ـ این مسئله که مشاهده‌گر می‌تواند بر مشاهده شونده تأثیر بگذارد ـ اندازه‌گیری دقیق ایـن شاخص را مشکل می‌سازد. اما به هر حال اهمیت سنجش سرمایهٔ اجتماعی بـرای بررسـی آن لازم و ضروری است. بدین ترتیب تعیین شاخص‌های جـایگزین سـرمایهٔ اجتمـاعی در بررسی ارتباط بین سرمایهٔ اجتماعی و سرمایهٔ انسانی از دیگر الزامات این مطالعه به شـمار می‌رفت که در نمونهٔ مورد نظر از طریق پرسش‌های مرتبط مورد سنجش قرار گرفت. ایـن شاخص‌ها برگرفته از مطالعات کلمن (Coleman,1998)، پاتنـام (Putnam, 1993) و وینتـر (Winter, 2000) است که این دسـته از شـاخص‌هـا را بـه عنـوان مهـم‌تـرین ابـزار بـرای اندازه‌گیری سرمایهٔ اجتماعی معرفی کردند. بدین ترتیب، در این مقاله، شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی مورد مطالعه به شرح زیر می‌باشند:

اعتماد

در فرآیند توسعهٔ اجتماعی میزان عضویت اعضای جامعـه در گـروه‌هـا، سـازمان‌هـا و انجمن‌های مختلف افزایش میابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بـیش‌تـر مـی‌شـود و بـدین ترتیـب اعتمـاد اجتمـاعی متقابـل تعمـیم مـی‌پـذیرد. بـه همـین جهـت آیزنـشتات (Aizenshtat) به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است. یعنـی بـدون انـسجام و نـوعی اعتمـاد،

1. Heisenberg uncertainly principle

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است (چلبی، ۱۳۷۵). افه (Offe) اعتقـاد دارد اعتمـاد بـه معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. این باور بر مبنای ایـن احتمـال کـه گروه‌های به خصوصی از دیگران کارهای بـه خـصوصی را انجـام مـی‌دهنـد یـا از انجـام کارهای به خصوصی پرهیز می‌کنند، که در هر صورت بر رفاه دیگران یا بر رفاه جمـع اثـر می‌گذارد (افه، ۱۳۸٤). به عبارت دیگر اعتماد به معنی اعتقاد به پایبندی افراد به تعهداتشان (قراردادهای رسمی، غیر رسمی، کتبی، شفاهی و...) در تعاملات اقتصادی- اجتماعی است (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۸۵). اعتماد به صورت‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌شـود[۱]، در یکـی از این تقسیم‌بندی‌ها، اعتماد فرد به دو قسمت اعتماد شخصی و اعتمـاد تعمـیم یافتـه تقـسیم می‌شود. اعتماد شخصی به این مفهوم که افراد به عضوی از خانواده و یا همکـار و یـا هـر کس دیگری که او را می‌شناسند و قبلاً با یکدیگر پیوند یا گره اجتماعی برقـرار کـرده‌انـد، اعتماد کنند. اعتماد تعمیم یافته نیز زمانی رخ می‌دهد که افراد به کسانی که هیچ آشنایی بـا آن‌ها ندارند، اعتماد کنند(Pollit, 2002). در این مقاله نیز اعتماد در سه بخـش اعتمـاد بـین فردی (شخصی)، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد به نهاد (دولت) اندازه‌گیری شده است که هر کدام از این شاخص‌ها به عنوان جانشینی برای اندازه‌گیری قـسمتی از اعتمـاد فـرد، مـورد استفاده قرار گرفته است.

پایبندی به قوانین اجتماعی

پایبندی به قوانین اجتماعی یکی از جنبه‌های مهمی است که از سرمایهٔ اجتماعی افـراد نشأت می‌گیرد. به طوری که هرچه میزان سرمایهٔ اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان پایبنـدی

۱ـ برای مثال نظریه پردازانی نظیر گیتز (Giddens,1990)، اعتماد را به. اعتماد به افراد خاص و اعتماد به افراد یا نظام‌های انتزاعی تقسیم‌بندی می‌کنند. برای مطالعهٔ بیش‌تر در این مورد نگاه کنیـد بـه: Luhmann, N. (1979). "Trust and power", Chichester, Wiley.. برای مطالعهٔ بیش‌تر در زمینهٔ مفهوم اعتماد مراجعه شود به: مقالهٔ چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشـت؟ از افـه (تـاجبخش، ۱۳۸۵:۲۰۳) و مقالـهٔ اعتمـاد و مبادلـهٔ بـازاری از مـک کلـنن (تـاجبخش، ۱۳۸۵:۲۷۷).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

آن‌ها به قوانین فردی و جمعی موجود درجامعه بیش‌تر می‌شود (پیران و همکاران، ۱۱۸٦). ارو، هنجارها و قوانین اجتماعی را یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایهٔ اجتماعی معرفی می‌کند (Arrow, 2000). کلمن نیز استقرار درمکان هنجارهای اجتماعی را از شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایهٔ اجتماعی می‌داند (کلمن، ۱۳۷۷). این شاخص در ایران نیز توسط موسوی (۱۳۸۵) برای اندازه‌گیری سرمایهٔ اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت.

بستگی اجتماعی

یکی از شروط لازم و نه کافی برای ظهور هنجارهای نافذ و عملی، بستگی اجتماعی است که آثار خارجی بر دیگران تحمیل می‌کند. بستگی اجتماعی وجود رابطهٔ تقویت کنندهٔ متقابل بین کنش‌گران مختلف و نهادها را نه تنها ضرورتی برای بازپرداخت الزام‌ها بلکه ضرورتی برای تحمیل ضمانت‌ها مورد توجه قرار می‌دهد (Coleman,1994). در بسیاری از ساختارهای اجتماعی علی‌رغم وجود شرایط لازم، باز هم در آن‌ها هنجار تشکیل نمی‌شود. دلیل این امر چیزی است که از آن به عنوان فقدان بستگی اجتماعی یاد می‌شود. هنجارها به وجود می‌آیند تا آثار منفی خارجی تحدید و آثار مثبت تشویق شوند. هنجار نیز یک قاعده رفتاری است که به وسیلهٔ اکثریت افراد جامعه ـ در عمل و از طریق رعایت آن ـ بر آن صحه گذاشته می‌شود (رنانی و همکاران، ۱۳۸۵).[1]

مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی در برگیرندهٔ انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸٦). هر مشارکتی بایستی سه ویژگی اساسی را دارا باشد

۱ـ برای مطالعهٔ بیش‌تر نگاه کنید به: مقالهٔ «نقش سرمایهٔ اجتماعی در تشکیل سرمایهٔ انسانی» از جیمز کلمن (تاجبخش، ۱۳۸۵:۶۵).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

تا مشارکت اجتماعی محسوب شود: ۱- عقلانی باشد ۲- مستمر باشد و ۳- سازمان یافته باشد. بنابراین مشارکت‌های بی‌سازمان و بی‌دوام و احساسی، مشارکت اجتماعی محسوب نمی‌شوند (رنانی، ۱۳۸۵). ویژگی ذاتی سرمایهٔ اجتماعی این است که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر پورتز سرمایهٔ اجتماعی در درون ساختار روابط افراد یافت می‌شود. فرد باید برای برخورداری از سرمایهٔ اجتماعی، با دیگران رابطه داشته باشد و در واقع همین دیگران هستند که منبع واقعی برخورداری فرد از مزایا و امتیازات محسوب می‌شوند (Portes, 1998).

دسترسی به اطلاعات

شکل مهمی از سرمایهٔ اجتماعی توان دست‌یابی به اطلاعات است که با روابط اجتماعی، پیوند ذاتی دارد و لازم و ملزوم یکدیگرند (لازرسفلد، ۱۹۹۵ برگرفته از تاجبخش، ۱۳۸۵). دسترسی به اطلاعات، هزینه بر است ولی با استفاده از روابط اجتماعی که با مقاصد دیگری برقرار و حفظ شده است، می‌توان هزینه‌های دست‌یابی به اطلاعات را کاهش داد(Katz & Lazarsfeld, 1995). میزان بالای سرمایهٔ اجتماعی، نتیجهٔ تعاملات زیاد است، ازهمین رو، با بالا رفتن سرمایهٔ اجتماعی، گردش اطلاعات افزایش یافته و ناهمگونی اطلاعات بین افراد نیز، کاهش می‌یابد (Guiso and etal, 2000). بنابراین می‌توان دریافت که افرادی با سرمایهٔ اجتماعی بالاتر می‌توانند در روابط متقابل خود برای دست‌یابی به اطلاعات، هزینهٔ کم‌تری را بپردازند و در نتیجه، افراد با سرمایهٔ اجتماعی بالاتر، توان دست‌یابی به اطلاعات بالاتری نیز دارند. همان‌طور که پیران و همکاران (۱۳۸۵)، یکی از نتایج سرمایهٔ اجتماعی را افزایش اطلاعات و تسهیل مبادله اطلاعات می‌دانند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

مدل ریاضی فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی

در این بخش از مقاله تلاش می‌شود تا فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی از درون منابع هویت و معرفت تجلی آن به صورت سرمایهٔ اجتماعی در افراد، در قالب یک مدل ریاضی ساده بیان گردد، به گونه‌ای که بتواند فهمی ساده‌تر و الگویی کاربردی‌تر را در اختیار محققین علاقه مند به این حوزه از مطالعات قرار دهد. همان‌طور که در بخش (۲-۱) نشان داده شد، هر فرد به طور ذاتی یا اکتسابی برخوردار از ویژگی‌های معرفتی و هویتی است که برآیند آن‌ها، درجهٔ برخورداری فرد از این منابع، بر اساس تلاش‌های آگاهانه، وراثت، شرایط محیطی و... متفاوت از دیگران است. به عنوان مثال: تعداد ساعاتی که یک فرد در یک روز به مطالعه اختصاص می‌دهد؛ تعداد سال‌هایی که به تحصیل اشتغال داشته است؛ نوع منابع اطلاع رسانی که مورد بهره برداری قرار می‌دهد؛ درجهٔ تعلق خاطر او به قومیتش، ملیتش و مذهبش و...، نمونه‌هایی از مشخصه‌های معرفتی و هویتی است که می‌تواند کمیت‌پذیر یا کمیت ناپذیر باشد. هنگامی که این مشخصه‌ها از یک فرد به تعداد افراد یک جامعه تعمیم یابد، با ماتریسی از مشخصه‌های معرفتی و هویتی افراد یک جامعه مواجه خواهیم بود. با این دیدگاه می‌توان در جهت مدل‌سازی رابطهٔ منابع معرفتی و هویتی با سرمایهٔ اجتماعی گام برداشت. هنگامی که به عنوان مثال: m ویژگی هویتی و معرفتی از n فرد در دست است که هر یک از ویژگی‌ها دارای مقیاس اندازه‌گیری متفاوتی است، تنها می‌توان از طریق بی مقیاس کردن ویژگی‌ها و سپس محاسبهٔ ترکیب (مثلاً میانگین) وزنی آن‌ها، به یک کمیت بدون مقیاس برای درجه برخورداری هر فرد از منابع هویت و معرفت دست یافت. بر این اساس، بهره‌گیری از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه[1] به عنوان روش‌های ترکیب وزنی m ویژگی از n گزینه[2] که در انطباق با این چارچوب (m ویژگی

1- Multi Attribute Decision Making (MADM)

۲- برای مطالعهٔ بیش‌تر مراجعه کنید به: مؤمنی، منصور (۱۳۸۵) «مباحث نوین تحقیق در عملیات» چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکدهٔ مدیریت دانشگاه تهران.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

هویتی و معرفتی از n فرد) بسط یافته است، می‌تواند الگوی ریاضی مناسبی را برای فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی از درون منابع معرفت و هویت ارائه نماید. به این ترتیب، فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی، می‌تواند به صورت زیر مدل‌سازی شود، به‌طوری‌که:

H ماتریس ویژگی‌های معرفت است که به تعداد افراد جامعه دارای مقادیر متفاوتی است. در این‌جا تعداد افراد جامعهk و تعداد ویژگی‌های معرفتی z می‌باشد.

$$H = [h_{kz}]_{k*z} \qquad (۱)$$

I ماتریس ویژگی‌های هویت است که به تعداد افراد جامعه دارای مقادیر متفاوتی است. در این جا تعداد ویژگی‌های هویتی e می‌باشد.

$$I = [i_{ke}]_{k*e} \qquad (۲)$$

$\bar{I}$ و $\overline{H}$ به‌ترتیب بردار میانگین ویژگی‌های بی مقیاس شده[1] هویتی و معرفتی افراد جامعه می‌باشد. به طوری که خواهیم داشت:

$$\overline{H} = [\overline{h}_{k۱}]_{k*۱} \quad (۳) \qquad \bar{I} = [\bar{i}_{k۱}]_{k*۱} \quad (٤)$$

ارزش‌های درونی افراد علاوه بر آن که از ویژگی‌های هویتی و معرفتی فرد به صورت مستقل تأثیر می‌پذیرد، تحت تأثیر اثرات متقابل این ویژگی‌ها بر یکدیگر نیز قرار می‌گیرد. بیان ریاضی این تفسیر می‌تواند به صورت رابطهٔ زیر مدل‌سازی شود:

$$[\overline{H}_{k*۱}\alpha_{۱*k} + \bar{I}_{k*۱}B_{۱*k} + \gamma_{k*k}(\overline{H}_{k*۱} * \bar{I}'_{۱*k})] = Y_{k*k} \qquad (۵)$$

که در این‌جا $\alpha_{۱*k}$ بردار وزنی ویژگی‌ها معرفتی و $B_{۱*k}$ بردار وزنی ویژگی هویتی افراد و ماتریس $[\gamma_{k*k}]$ بردار وزنی اثرات متقابل ویژگی‌های معرفتی و هویتی بر یکدیگر است. حاصل آن ماتریس مربع متقارنی است که تعداد سطر و ستون‌های آن به تعداد افراد جامعه است و هر عدد درون ماتریس، یک شاخص ترکیبی بدون مقیاس است که می‌تواند افراد را در بر خورداری از منابع هویت و معرفتی ـ که با تلاش خود فرد به دست آمده یا

1 - normalization

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

در تعامل با سایر افراد تحت تأثیر ویژگی‌های معرفتی و هویتی آنـان کـسب شـده اسـت ـ مورد مقایسه قرار دهد. به عبارتی این اعداد می‌تواند شاخص جایگزینی از درجـه درونـی شدن ارزش‌ها در فرد باشد و از این رو در این پژوهش این مـاتریس بـا عنـوان «مـاتریس تعامل ارزش‌های درونی افراد جامعه شناخته» می‌شود.

از سوی دیگر منطبق با چارچوب نظری فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی در بخش (۲-۱) می‌دانیم که آن‌چه ارزش‌های درونی افراد را در تشکیل سرمایهٔ اجتماعی بالفعل مـی‌سـازد، مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی به صورت: پایبندی به هنجارها، قابل اعتماد بودن و حـضور فعـال در شبکه‌های اجتماعی می‌باشد.. بنابراین ویژگی‌های افراد جامعه در ارتباط با سه مؤلفهٔ فـوق، در ماتریس دیگر قابل جمع‌آوری است که در آن تعداد سطرها به تعـداد سـه مؤلفـهٔ سـرمایهٔ اجتماعی ـ پایبندی به هنجارها، قابل اعتماد بودن و حضور فعال در شبکه‌های اجتمـاعی ـ و تعداد ستون‌ها به تعداد افراد جامعه خواهد بود. بنابراین خواهیم داشت: $D=[d_{3K}]$

که در ماتریس D ویژگی‌های افراد در ارتباط با مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتمـاعی را بـه ایـن مفهوم که هر فرد چه اندازه به هنجارها پایبند است؛ چه قدر قابل اعتماد است و تا چه حد در شبکه‌های اجتماعی مشارکت می‌کند نشان مـی‌دهـد. حاصـل ضـرب ایـن مـاتریس در ماتریس «تعامل ارزش‌های درونی افراد جامعه» به صورت:

(٦) $D*Y=G$

ماتریس درجهٔ برخورداری افراد جامعه از مؤلفه‌هـای سـرمایهٔ اجتمـاعی اسـت کـه در تعاملات و مبادلات اجتماعی قابلیت انباشته شدن و تبدیل به سرمایهٔ اجتماعی است، یعنی: ماتریس G را نشان می‌دهد.

روش ارزیابی

آن‌چه که در بخش قبل بدان پرداخته شد، بیان ریاضی فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتمـاعی است و در این بخش با استفاده از اطلاعات جمع‌آوری شده در مورد دانشجویان دانـشکدهٔ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

اقتصاد دانشگاه اصفهان، ماتریس تعامل ارزش‌های درونی افراد و ماتریس درجهٔ برخورداری افراد از مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی استخراج و ارتباط بین ویژگی‌های معرفتی و هویتی و درجهٔ برخورداری افراد از مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی و از سوی دیگر میزان قابلیت انباشته شدن و تبدیل این مؤلفه‌ها به سرمایهٔ اجتماعی در تعاملات جامعه نمونه را نشان می‌دهد.

فرضیات و سئوالات تحقیق

سئوال اصلی در این تحقیق این است که: آیا رابطهٔ معنی داری بین منابع هویت و معرفت و مؤلفه‌های سرمایهٔ اجتماعی وجود دارد؟ یعنی سرمایهٔ انسانی به عنوان شاخص جانشین برای منبع معرفت افراد و مذهب به عنوان جانشین برای منابع هویت، در تشکیل سرمایهٔ اجتماعی در نمونهٔ مورد نظر چه نقشی را ایفا می‌کنند؟ بدین ترتیب در این تحقیق دو فرض زیر وجود خواهد داشت: ۱- منابع معرفت، اثر مثبتی بر شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی افراد دارد. ۲- منابع هویت، اثر مثبتی بر شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی افراد دارد.

برای آزمون این فروض بنابر مدل ذکر شده در قسمت‌های قبلی به تخمین تک‌تک شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، بر روی منابع هویت و معرفت (سرمایهٔ انسانی و پایبندی به مذهب) می‌پردازیم توابع مورد نظر در این تخمین خطی بوده و به وسیلهٔ روش حداقل مربعات خطی OLS تخمین زده شده‌اند. و هر گاه ضرایب به دست آمده برای منابع هویت و معرفت مثبت و معنی دار بودند (سازگاری نظری) و نیز معنی داری آماری ضرایب تخمین خورده تأیید شود (سازگاری آماری)، آن‌گاه می‌توان به عدم رد فرضیه‌های این پژوهش حکم کرد.

تحلیل نتایج

در این بخش نتایج حاصل از تخمین‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در انتها نیز به بررسی نتایج کلی حاصله خواهیم پرداخت و به سئوال اصلی تحقیق مبنی بر چگونگی فرآیند تشکیل سرمایهٔ اجتماعی پاسخ داده می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

اعتماد

یکی از ابزارهای علی مورد بحث در این مقاله میزان اعتماد می‌باشد که توسط سه شاخص اعتماد فردی، اعتمادتعمیم یافته و اعتماد به دولت مورد ارزیابی قرار گرفته است. جدول زیر نشان‌دهندهٔ ضرایب برآوردی و سطح معنی‌داری آن‌ها در مورد رابطهٔ سطح انواع اعتماد (به‌عنوان متغیر وابسته) با متغیرهای مستقل مدل می‌باشد. متغیرهای مستقل شامل سرمایهٔ انسانی (به عنوان شاخص منبع معرفت) و میزان پایبندی به مذهب (به عنوان شاخص منبع هویت) می‌باشد.[۱]

جدول۱- نتایج حاصل از تأثیر منابع هویت و معرفت بر اعتماد

متغیر مستقل / متغیر وابسته	پایبندی به مذهب		سرمایهٔ انسانی	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
اعتماد فردی	۰/۲۱	۰/۰۰۱	۰/٤	۰/۰۰
اعتماد تعمیم یافته	۰/۱٦۳	۰/۰۱۹	۰/٤۷	۰/۰۰
اعتماد به دولت	۰/۳۸	۰/۰۰	-۰/۱٤	۰/۰۰۳

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول (۱) در قسمت اعتماد فردی، هر دو متغیر مذهب و سرمایهٔ انسانی رابطهٔ مثبت و معنی‌داری با میزان اعتماد فردی افراد دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در نمونهٔ مورد نظر بین میزان پایبندی افراد به مذهب وسرمایهٔ انسانی انباشته شده در خانواده با میزان اعتمادشان به افراد اطراف خود رابطهٔ مثبت و معنی‌داری وجود دارد

۱ـ میزان اعتماد توسط سئوالات مرتبط در پرسش‌نامه، مورد ارزیابی قرار گرفت به طوری که: اعتماد فردی با ۴ سئوال که به ارزیابی میزان اعتماد بین خانواده و دوستان نزدیک می‌پرداخت. اعتمادبه دولت با ۳ سئوال، به پرسش‌هایی در مورد میزان اعتماد افراد به عمل‌کردها و سیاست های دولت می‌پرداخت. اعتماد تعمیم یافته نیز توسط ۴ سئوال، به اندازه گیری میزان اعتماد افراد به اطرافیانی که شناختی نسبت به آن‌ها ندارند می‌پرداخت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

به‌طوری که هرچه افراد در خانواده‌های مذهبی‌تر و با سرمایهٔ انسانی بالاتر رشد کرده باشند، دارای اعتماد بین فردی بالاتری نیز می‌باشند. این رابطه در واقع مبین و مؤید این است که وقتی نهادهای مذهبی روابط حسنه در میان اعضای خانواده و افراد جامعه را امری قابل تحسین و ستودنی می‌شمارند، این ارزش در عمل نیز در روابط اجتماعی افراد مذهبی نمود می‌یابد. آموزه‌های مذهبی بر پایهٔ مواعظی پایه‌ریزی گردیده‌اند که همواره ایجاد پیوند سالم و قابل اطمینان بین افراد را توصیه و تأکید می‌کند. به عقیدهٔ فوکویاما مذهب می‌تواند شبکهٔ اعتمادی در بین افراد ایجاد کند که برای روابط تجاری و مبادلهٔ اقتصادی نیز ضروری است (فوکویاما، ۱۳۷۹). ایوانز(Evans) هم بر نقش فعالیت‌ها و مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آن‌ها به یکدیگر تأکید می‌کند و اعتقاد دارد که رفتار دینی با سایر مؤمنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی مؤثر در جهت ایجاد سرمایهٔ اجتماعی باشد (ایوانز و همکاران، ۱۳۸۰).

ردیف دوم جدول نشان‌دهندهٔ ضرایب متغیر مستقل در برابر اعتماد تعمیم یافتهٔ افراد می‌باشد. در این قسمت نیز هر دو متغیر مذهب و سرمایهٔ انسانی رابطهٔ مثبت و معنی‌داری با میزان اعتماد تعمیم یافتهٔ افراد دارند. هم‌چنین ردیف سوم جدول، نشان‌دهندهٔ ضرایب برآوردی (اثر) متغیرهای مستقل بر میزان اعتماد افراد به دولت می‌باشد. این برآوردها نشان می‌دهد که شاخص پایبندی به مذهب دارای رابطهٔ مثبت و معنا داری با اعتماد افراد به دولت می‌باشد، به این معنی که هر چه میزان پایبندی افراد به عقاید مذهبی بالاتر باشد، از اعتماد بیش‌تری نسبت به دولت برخوردار هستند. در مقابل، میزان سرمایهٔ انسانی انباشته شده در خانواده اثر منفی بر اعتماد افراد به دولت دارد. از آن‌جا که دولت در ایران بر پایهٔ مذهب شکل گرفته است و مجری آیین‌های مذهبی و دینی در جامعه می‌باشد، طبیعی است که افراد با اعتقادات مذهبی بالاتر به دولتی که بر پایهٔ همان اعتقادات، رفتار اقتصادی و اجتماعی را در جامعه سامان می‌دهد، اعتماد بالاتری داشته باشند. از سوی دیگرافرادی که از خانواده‌ای با سرمایهٔ انسانی بالاتری برخوردار هستند اصولاً به کاستی‌ها و نقص‌های جامعه مبتنی برناکارآمدی نهادهای دولتی توجه بیش‌تری می‌کنند و دلیل کاستی‌ها و عقب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

ماندگی‌های جامعه را نقص در مدیریت کلان و وجود ضعف در دستگاه‌های مجری کلان (دولت) می‌دانند. بنابراین طبیعی است که چنین افرادی درجهٔ اعتمادشان به دولت ـ نسبت به سایر افراد ـ کم‌تر باشد.

شبکه

دومین ابزار علی مورد مطالعه، میزان تشکیل شبکه‌های اجتماعی توسط افراد می‌باشد که توسط دو شاخص مشارکت اجتماعی و بستگی اجتماعی افراد اندازه‌گیری شده است. جدول زیر نشان‌دهندهٔ ضرایب حاصل از تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت اجتماعی و بستگی اجتماعی افراد نمونه می‌باشد.[۱]

جدول۲- نتایج حاصل از تأثیر منابع هویت و معرفت بر شبکه

متغیر مستقل / متغیر وابسته	پایبندی به مذهب		سرمایهٔ انسانی	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	۰/۲۳	۰/۰۰۳	-۰/۱۷	۰/۰۷
بستگی اجتماعی	۰/۳۵	۰/۰۰	-۰/٤۲	۰/۰۰۵

منبع: یافته‌های تحقیق

ضریب متغیر سرمایهٔ انسانی در توضیح مشارکت اجتماعی افراد منفی بوده و در سطح ۰,۰۷ معنی‌دار است. بین مشارکت اجتماعی افراد و میزان پایبندی به مذهب رابطهٔ مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به‌طوری‌که هرچه افراد دارای منابع هویت (پایبندی به مذهب) بالاتری باشند، دارای مشارکت اجتماعی بیش‌تری نیز می‌باشند. از لحاظ نظری افراد بر اساس دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند مانند حضور و فعالیت در

۱ـ میزان مشارکت اجتماعی افراد توسط ۵ سئوال که میزان عضویت افراد در گروه‌ها و انجمن‌ها و.. و هم‌چنین تمایل آن‌ها به مشارکت‌های اجتماعی را اندازه گیری می‌کرد. بستگی اجتماعی نیز توسط ۴ سئوال در پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

امور مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی (الوانی وتقوی، ۱۳۸۰). همان طور که قبلاً ذکر شد جامعهٔ ایران بر بستر فرهنگ دینی شکل گرفته است و به روشنی بخش بزرگی از گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی بر پایهٔ دین شکل می‌گیرند. در واقع افراد با پایبندی بیش‌تر به دین راحت‌تر می‌توانند در گروه‌های اجتماعی وارد شده و مشارکت داشته باشند. اما رابطهٔ منفی سرمایهٔ اجتماعی با مشارکت نیز با شواهد واقعی ایران سازگار است. در ایران افزایش سطح تحصیلات نوعی شکاف و فاصلهٔ اجتماعی میان فرد تحصیل کرده و عامهٔ مردم ایجاد می‌کند و همین باعث کاهش نسبی ارتباطات اجتماعی فرد تحصیل کرده ـ در مقایسه با سایرین ـ می‌شود. کاهش ارتباطات اجتماعی نیز در جای خود به کاهش مشارکت افراد در فعالیت‌های گروهی می‌انجامد.

ردیف دوم جدول(۲) نشان‌دهندهٔ ضرایب متغیرهای مستقل در توضیح میزان بستگی اجتماعی افراد است. با توجه به ضرایب می‌توان مشاهده کرد، که ضریب متغیر سرمایهٔانسانی منفی و معنی‌دار می‌باشد. به عبارت روشن‌تر، هرچه میزان سرمایهٔ انسانی انباشت شده در خانواده برای افراد بیش‌تر باشد میزان بستگی اجتماعی‌شان کم‌تر می‌شود. از لحاظ نظری کاهش مشارکت اجتماعی افراد به طور طبیعی به کاهش نرخ بستگی اجتماعی آنان نیز می‌انجامد. بنابراین منفی بودن اثر سرمایهٔ انسانی بر مشارکت و بر بستگی اجتماعی، مقوم نتیجهٔ یکدیگرند. ضریب متغیر مستقل پایبندی به مذهب نیز رابطهٔ مثبت و معنی‌داری با میزان بستگی اجتماعی افراد دارد. به این معنی که هرچه پایبندی خانواده به مذهب بیش‌تر باشد، میزان بستگی اجتماعی بالاتری دارد. کلمن عنوان می‌کند که دین فروبستگی شبکه‌های اجتماعی والدین و فرزندان را تقویت می‌کند. به طوری که روابط اجتماعی را تقویت می‌کند و روابط خویشاوندی را نیز بهبود می‌بخشد. کاندلند هم بیان می‌کند که دین از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و خانوادگی، ارتباط با سایر هم‌نوعان، وظیفه شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت و اعمال هنجارهای همبستگی می‌تواند مبنای سرمایه اجتماعی قلمداد گردد (Candland, 2000). دورکیم (Durkheim) نیز معتقد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

است که دین می‌تواند باعث تقویت احساسات فردی و اجتماعی، حفظ همبستگی اجتماعی و برقراری انسجام اجتماعی شود (کتابی و همکاران، ۱۳۸۳). ایبارا معتقد است که، افراد با سرمایهٔ انسانی بالاتر در تعاملات اجتماعی بیش‌تری شرکت داشته و سبب جذب افراد دیگر به سمت خود می‌شوند. از این طریق سبب ایجاد شبکه‌های جدیدی در جامعه شده و در نهایت باعث ارتقای سرمایهٔ اجتماعی خواهند شد (Ibarra, 1992)، اما در تحقیق حاضر عکس نتیجهٔ فوق، به دست آمده است. دلیل این امر شاید جامعه کنونی ایران باشد که مبتنی بر دین شکل گرفته است و شبکه‌های تشکیل شده نیز بر پایه دین است و افراد با سرمایهٔ انسانی بالا توانایی بسط شبکه‌های اجتماعی حاصل از تعاملات مبتنی بر سرمایهٔ انسانی خود را ندارند.

هنجار

سومین قسمت از ابزارهای علی مورد مطالعه در این مقاله به بررسی هنجارهای اجتماعی افراد می‌پردازد، برای اندازه‌گیری هنجار از دو شاخص پای‌بندی به قانون و میزان دسترسی به اطلاعات افراد استفاده شده است.[۱]

جدول۳- نتایج حاصل از تأثیر منابع هویت و معرفت بر هنجار

متغیر مستقل / متغیر وابسته	پایبندی به مذهب		سرمایهٔ انسانی	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
پایبندی به قانون	۰/۲۱	۰/۰۰۵	-۰/۱۶۹	۰/۰۲
دسترسی به اطلاعات	-۰/٤	۰/۰۵	۰/٤۷	۰/۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۱ـ پایبندی به قوانین اجتماعی توسط ۴ سئوال در پرسش‌نامه به اندازه گیری میزان اطاعت و پایبندی به قوانین و نظام‌های اجتماعی توسط افراد پرداخت. دسترسی به اطلاعات نیز توسط ۴ سئوال در پرسش‌نامه به ارزیابی میزان دسترسی به اطلاعات افراد که ناشی از سرمایهٔ اجتماعی آن‌ها باشد مورد ارزیابی قرار گرفت.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

با توجه به ردیف اول جدول، بین میزان پای‌بندی به مذهب در بستر خانواده و میزان پایبندی به قانون در افراد رابطهٔ مثبت و معنا داری وجود دارد. سرمایهٔ انسانی نیز رابطهٔ منفی و معناداری با میزان پای‌بندی به قانون در افراد دارد. ردیف دوم جدول نیز نشان می‌دهد که بین دسترسی به اطلاعات و میزان پای‌بندی به مذهب در بستر خانواده رابطهٔ منفی و معنی‌داری وجود دارد. سرمایهٔ انسانی نیز رابطهٔ مثبت و معنی داری با میزان دسترسی به اطلاعات در افراد دارد.

در توجیه ضرایب برآوردی بالا باید گفت، نتیجهٔ منطقی اعتماد بالای افراد مذهبی‌تر به دولت مبتنی بر عقاید مذهبی، پای‌بندی بیش‌تر این افراد به قوانین و مقررات وضع شده توسط دولت دینی است. نتایج به دست آمده از آزمون ارتباط بین پایبندی به مذهب و پایبندی به قانون نیز این مسئله را تأیید می‌کند. ناک و کیفر در مطالعه خود بیان می‌کنند که در جوامعی که مردم به مسئولان دولتی اعتماد دارند، اعلام مواضع و سیاست‌های دولت از اعتبار بیش‌تری برخوردار است (Knack & Keefer, 1997). اما از آن جا که با افزایش سطح سرمایهٔ اجتماعی (تحصیلات) افراد، آگاهی آن‌ها از نحوهٔ عملکرد دولت بیش‌تر می‌شود، بنابراین هم اعتمادشان به دولت کم‌تر می‌شود و هم پایبندی شان به قوانین و مقررات ـ که وضع شده از طرف دولت هستند ـ کاهش می‌یابد.

جنسیت

در این قسمت، به برررسی این موضوع پرداخته‌ایم که آیا میانگین شاخص‌های سرمایهٔ اجتماعی مردان تفاوت معنی داری با همان شاخص برای زنان دارد؟

در مورد مسئلهٔ جنسیت در ساختار سرمایهٔ اجتماعی باید گفت که، بسیاری از اندیشمندان اجتماعی بر این باورند که جنسیت می‌تواند عامل تعیین کننده‌ای در میزان سرمایهٔ اجتماعی افراد باشد. برای مثال، زمانی که پاتنام، عنوان تسهیل‌گر را برای کسانی که باعث ظهور پدیده‌ها در جامعه می‌شوند، استفاده می‌کند و عنوان گفتگوی دوستانه را برای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

کسانی که در مکالمات و فعالیت‌های غیر رسمی و انعطاف‌پذیر شرکت می‌کنند، استفاده می‌کند، بر این نکته تأکید می‌ورزد که تسهیل‌گران بیش‌تر در بین مردان وجود دارند در حالی که پیوندهای اجتماعی غیر رسمی بیش‌تر در بین زنان رایج است و بنابراین نتیجه‌گیری می‌کند که زنان سرمایه‌داران اجتماعی مشتاق‌تری نسبت به مردان هستند (Putnam, 2000). اندیشمندان جدید سرمایهٔ اجتماعی نیز انتقادهای زیادی را به گذشتگان خود، به دلیل عدم در نظر گرفتن نقش جنسیت در تشکیل سرمایهٔ اجتماعی، وارد کرده‌اند. منتقدان فمنیست[1] نیز، مطرح ساخته‌اند که مشارکت مدنی بالا تا حد زیادی جنسیتی است(Lowndes, 2000). در ایران نیز روشنفکر و همکاران (۱۳۸۵)، با مطالعه رفتارهای داوطلبانه به عنوان متغیری که معرف سرمایهٔ اجتماعی افراد است، به این نتیجه رسیدند که در نمونهٔ مورد تحلیلشان، مردان بیش‌تر از زنان در امور داوطلبانه شرکت کرده‌اند. آن‌ها تأکید می‌کنند که «البته باید توجه داشت که این نتیجه در سطح رفتاری به دست آمده است، در حالی که تحقیقات انجام شده در خصوص رابطهٔ جنسیت و گرایش به شرکت در امور داوطلبانه از جمله تحقیق فلانگن و همکاران که در بین پنج هزار نوجوان در ۷ کشور صنعتی و در حال گذار انجام شده است، حاکی از آن است که زنان بیش از مردان به انجام دادن فعالیت‌های داوطلبانه تمایل نشان داده‌اند.(Flangon etal and, 1998). بدین ترتیب می‌توان پذیرفت که جنسیت می‌تواند متغیر تأثیرگذاری در چگونگی شکل‌گیری سرمایهٔ اجتماعی افراد باشد. برای بررسی این نظریه، در این مقاله میزان سرمایهٔ اجتماعی برای دو گروه جنسیتی به صورت جدا مورد آزمون قرار گرفت. نتایج به‌دست آمده از آزمون t، در سطح معنی داری ۰/۰۵ برای سه شاخص مشارکت اجتماعی، دسترسی به اطلاعات و میزان اعتماد تعمیم یافته، نشان می‌دهد که بین میانگین مردان و زنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از این آزمون به شرح زیر است.[2]

1. femenist

۲ـ لازم به ذکر است مقدار آزمون t برای تفاوت میانگین برای بقیه شاخص‌ها، معنی‌دار نبوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

۱- در نمونهٔ مورد مطالعه، اعتماد تعمیم یافته در بین مردان بیش از زنان می‌باشد. این فرض در سطح معنا داری ۰,۰۰ مورد تأیید قرار می‌گیرد (مقدار آماره=٤/٧٤-).
۲- میزان دسترسی به اطلاعات، در نمونهٔ مورد نظر، در بین مردان بیش از زنان است. این فرض نیز در سطح معناداری ۰,۰۰ مورد پذیرش قرار می‌گیرد (مقدار آماره=٦/٨٥٤-).
۳- میزان مشارکت اجتماعی در بین مردان بیش‌تر از زنان است. این فرض در سطح معنا داری ۰,۰۰ مورد پذیرش قرار می‌گیرد(مقدار آماره=٤/٤٧-).

در هر سه متغیر ذکر شده مردان عمل‌کرد بالاتری نسبت به زنان داشتند به طوری که مردان در نمونه مورد نظر دارای مشارکت اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته و میزان دسترسی به اطلاعات بالاتری نسبت به زنان بوده‌اند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بر طبق مدل مورد نظر، افراد برای تشکیل سرمایهٔ اجتماعی خود از دو منبع هویت و معرفت بهره می‌برند و از طریق ابزارهای علی موجب انباشت سرمایهٔ اجتماعی خواهند شد. در این مقاله سرمایهٔ انسانی به عنوان شاخصی از منبع معرفت در بستر خانواده و میزان پایبندی به مذهب نیز به عنوان شاخصی از منبع هویت مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج حاصل نشان می‌دهد که سرمایهٔ انسانی از طریق اثر بر شاخص‌های اعتماد تعمیم یافته، اعتماد شخصی و دسترسی به اطلاعات منجر به تشکیل سرمایهٔ اجتماعی در افراد می‌شود ولی بین میزان سرمایهٔ انسانی و شاخص‌های اعتماد به دولت، مشارکت اجتماعی، پایبندی به قانون و بستگی اجتماعی رابطهٔ منفی وجود دارد. بدین ترتیب منبع معرفت همواره نتوانسته است از طریق ابزارهای علی (هنجار، شبکه و اعتماد) مورد نظر به سرمایهٔ اجتماعی تبدیل شود. نتایج به دست آمده در مورد منبع هویت ـ که توسط شاخص پایبندی به مذهب در افراد اندازه‌گیری شده است ـ نشان می‌دهد که به استثنای شاخص دسترسی به اطلاعات،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

ارتباط مثبت و معنی داری بین این شاخص و سایر شاخص‌های جایگزین سرمایهٔ اجتماعی وجود دارد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در نمونه مورد مطالعه منابع هویت در تقویت سرمایهٔ اجتماعی نقش قوی‌تری داشته‌اند و منبع معرفت همواره نتوانسته است منجر به تقویت سرمایهٔ اجتماعی شود. مطالعه روی سرمایه اجتماعی گروه‌های جنسیتی مختلف نیز نشان می‌دهد که میانگین سرمایهٔ اجتماعی مردان در نمونهٔ مورد مطالعه به‌صورت معنی‌داری بیش‌تر از زنان بوده است. به طوری که مردان در نمونهٔ مورد نظر دارای مشارکت اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته و میزان دسترسی به اطلاعات بالاتری نسبت به زنان بوده‌اند. یکی از دلایل اصلی این نتیجه‌گیری ـ زیادتر بودن سرمایهٔ اجتماعی مردان نسبت به زنان ـ در ایران، وجود مشارکت اجتماعی بالاتر مردان می‌باشد به طوری که در ایران مردان به دلایل عقاید سنتی خانواده راحت‌تر می‌توانند وارد اجتماع شده و در برابر برقراری پیوندهای اجتماعی ریسک پذیرتر از زنان عمل کنند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

منابع و مآخذ References

- الوانی، مهدی و مهدی شیروانی (۱۳۸۵). **سرمایه اجتماعی، مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها**، اصفهان، نشر مانی.
- افه، کلاوس (۱۳۸٤). **چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟**، گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، انتشارات شیرازه، تهران.
- ایوانز و همکاران، تی دیوید (۱۳۸۰). **بررسی مجدد رابطهٔ دین و سرمایهٔ اجتماعی**، ترجمه علی سلیمی، فصلنامه مدیریت، ش ۱٦.
- پیران، پرویز و میرطاهر موسوی و ملیحه شیانی، (۱۳۸۵). «کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۲۳.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸٤). **سرمایهٔ اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه**، تهران، نشر شیرازه.
- جوادی آملی، عبداله (۱۳۷۷).**شریعت در آینه معرفت**، تهران، موسسه نشر.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵).**جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظریه اجتماعی**، تهران، نشر نی.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۹). **نه گفتار در تاریخ ادیان**، ج۱، شیراز، نشر اتحادیه مطبوعاتی.
- دلیری، حسن (۱۳۸۸)، «سرمایه اجتماعی، سراب یا مدینه فاضله»، **مجله حقوق اقتصاد**، شماره چهارم و پنجم، ص ۷٤-۸۵.
- دلیری، حسن (۱۳۸۷)، **اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در استانهای ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و اقتصاد.
- رنانی، محسن (۱۳۸۱). «سقوط سرمایه اجتماعی، بحران عقلانیت و امتناع برنامه در ایران»، **ماهنامه آفتاب**، شماره ۱٦، صص۳۵-۲٦.
- رنانی، محسن (۱۳۸۲). «سرمایه اجتماعی شرط لازم برای توسعه»، **اندیشه صادق، نشریه پژوهشی آموزشی دانشگاه امام صادق**، شماره ۱۱و۱۲، صص۲۹-۲۰.
- رنانی، محسن (۱۳۸۵) «کاهش سرمایه اجتماعی و ناکامی سیاست‌های اقتصادی ایران»، **ماهنامه آیین**، شماره ٦، ص۱۲-٦.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

منابع و مآخذ References

- رنانی، محسن (۱۳۸٦). «سرمایه اجتماعی ابزار تولید سعادت»، **فصلنامهٔ دریچه**، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۷-۲۳.
- رنانی، محسن و حسن دلیری (۱۳۸۸)، « آیا سرمایه اجتماعی واقعاً سرمایه است؟»، **مجلهٔ علمی ترویجی راهبرد یاس**، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۸.
- رنانی، محسن و مصطفی عماد زاده و رزیتا مویدفر (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی ارئه یک الگوی نظری»، **مجلهٔ پژوهشی دانشگاه اصفهان**، جلد۲۱، شماره۲، صص ۱٤۸-۱۲۹.
- روشنفکر، پیام و سعید ذکایی (۱۳۸۵). «جوانان سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه»، **فصلنامهٔ رفاه اجتماعی**، شماره ۲۳.
- سبحانی، حسن.(۱۳۷۱). »بازدهی سرمایه‌گذاری آموزشی«، **مجلهٔ تحقیقات اقتصادی**، شماره ۵، صص ۸۹-۷٦.
- سوری، علی و نادر مهرگان (۱۳۸٦). «نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی»، **فصلنامهٔ پژوهش‌های بازرگانی**، شماره ٤۲، صص۲۱۹-۲۰۷
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). **پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، مترجم غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- کتابی، محمود و محمد گنجی و یعقوب احمدی و رضا معصومی (۱۳۸۳). «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی فرهنگی»، **مجلهٔ پژوهشی دانشگاه اصفهان**، جلد ۱۷، شماره۲، صص ۱۹۲-۱٦۹.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷).**بنیادهای نظریهٔ اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵).«مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی»، **فصلنامهٔ رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۹۲-٦۷.
- مویدفر، رزیتا (۱۳۸۵). **بررسی روند تحولات سرمایهٔ اجتماعی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران: ارائهٔ یک الگوی نظری**، پایان‌نامهٔ مقطع دکترای اقتصاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده اقتصاد و علوم اداری.
- نورث، سی داگلاس (۱۳۷۹). **ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی**، ترجمه غلامرضا آزاد، نشر نی، چاپ اول.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

References منابع و مآخذ

- Arrow, K. (2000), "**Observations on Social Capital, in Social Capital: A Multifaceted Prespective**", Ed. By P.Dasgupta, and I. Serageldin. The World Bank.
- Aston, N. M. Nathanson, R. Schoen & Y, Kim (1999). "Family Demography, Social Theory, and Investment in Social Capital", **Population and Development Review**, 25, pp 1-31.
- Bjornskov, C. (2004)." Social Capital and the Growth Human Capital", **Aarhus School of Business.**
- Candland, C. (2000). "Religion and Community in Southern Asia", **Kluwer Academic Publisher**, Vol 33.
- Coleman, J (1990). "Equality and Achievement in Education", **Westview Press**, Boulder.
- Coleman, J (1998). "Social Capital in the Creation of Human Capital"**, American Journal of Sociology**, 94, pp 95-121.
- Coleman, J (1998). "The Creation and Destruction of Social Capital: Implication for the Law", **Notre Dame Journal of Law**, Ethics and Public Policy, Vol.3.
- Coleman, J. & Hoffer, t (1987). "**Public and Private Schools: the Impact of Communities**", Basic Books, New York.
- Coleman. J (1994)."**Foundation of Social Theory**", Belknap Press, Cambridge MA.
- Falk, I. & Kilpatrick, S. (2000). "What is Social Capital? A Study of Interaction in Rural Community", **European Society Rural Sociology Sociological Ruralis**, Vol. 40.
- Falk, I. (2000)."Human Capital and Social Capital: what is the Difference?" **Adult Learning Commentary**, Number 28.
- Fukuyama, F (1997). "**Trust: the Social Virtues and the Creation of Prosperity**", Hamish Hamilton, London.
- Grootaert, C. & Swamy, G. O. (2002). "Social Capital, Household Welfare and Poverty in Burkina Faso", **Journal of African Economies**, 11, pp 4-38**.**
- Guiso, L, P. Sapienza & L.Zingales (2000)." The Role of Social Capital in Fainancial Development", **NBER Working Paper 7563.**
- Ibarra, H. (1992), "Homophily and Differential Returns: Sex Differences in Network Structure and Access in an Advertising Firm", **Administrative Scice Quartery,** Vol.37 No.3, pp422-47.
- Katz, F & Lazarsfeld, (1995)." Personal Influence"**, New York: FreePress.**
- Knack, s. and Keefer, P. (1997),"Does Social Capital Cultura Claves Olvidadas del desarrollo", Doc.7, **Instituto Iinteramericano Para el Desarrollo Social**, pp. 1-37.
- Kyriacov. Ga. (1991). "Level and Growth Effects of Human Capital a Cross-Country Study of the Convergence Hypothesis"**,** *C. V Star Center* **Working Paper**, No. 26-9.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]

References

منابع و مآخذ

- Lowndes, V. (2000). "Women and Social Capital: a Comment on Hall's Social Capital in Britain**", British Journal of Political Science**, 30, 4, 533-40.
- Pollit, M. (2002). "The Economics of Trust, Norms and Networks", **Business Ethics: A European Review**, Blackwell Publishers, pp.119-128.
- Portes, a. (1998), Social Capital: its Orgins and Applications in Modern Sociology, **Annual Review of Sociology**, 22.
- Putnam, R. (1993)." Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy", **Princeton University Press.**
- Putnam, R. (2000)."**Boling Alone: the Collapse and Revival of American community**", Simon and Schuster, New York.
- Schultz, T.W. (1961)."Investment in Human Capital", **Amrican Economic Review**. Vol. 51.
- Soumynananda, D.. (2007). "Social Capital in the Creation of Human Capital and Ecocomic Growth: A Productive Consumption Approach", **The Journal of Socio Economics**, Soceco 685, No 14.
- Teachman, J & paasch, K & Carver, K. (1997). "Social Capital and the Generation of Human Capital", **Social forces**, 75, pp 1343-1359.
- Winter, l. (2000). "Towards a Theorized Understanding of Family Life and Social Capital"**, Working Paper**, No.21, Australian Institute of Family Studies.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-16]